



Shiraz University
RICEST
ISC

ISSN: 2008-7926

Journal of

Legal Studies

Scientific

Vol. 17, Issue 3, Autumn 2025

JLS

Journal of Legal Studies

Journal Homepage: <https://jls.shirazu.ac.ir/>
doi: <https://10.22099/JLS.2025.51333.5220>



Research Article

Consequences of Preventing Anti-Social Behaviour through Community Protection Notices in the UK

Azim Aghababaei Taghanaki^{1*}, Rashid Ghadiri Bahram Abadi², Mehdi Amini³

1. PhD student in Criminal Law and Criminology, Department of Criminal and Criminology Law, Faculty of Law, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

2 & 3. Assistant Prof., Department of Law, Faculty of Literature and Humanities, Shahrekord University, Shahrekord, Iran

Article history:

Received: 04-10-2024

Accepted: 22-01-2025

Abstract

Introduction: In criminal matters, driven by the ideal of creating a risk-free society, concepts such as risk management and security measures have led to the expansion of restrictive actions and certain punitive measures—at times applied before the formal establishment of criminal guilt. Among these preventive mechanisms are Community Protection Notices (CPNs). Community Protection Notices are civil preventive orders designed to prohibit specific behaviors by an individual or organization if the existing conduct is deemed to have a 'detrimental effect on the quality of life of individuals in the locality,' with non-compliance triggering specific enforcement mechanisms. The implementation of Community Protection Notices impacts several core principles of criminal law. This study aims to examine the consequences of adopting Community Protection Notices within the UK's criminal justice system to evaluate the feasibility of integrating CPN-related policies into Iran's criminal policy framework.

Please cite this article as:

Aghababaei Taghanaki, A., Ghadiri Bahram Abadi, R., Amini, M (2025). Consequences of Preventing Anti-Social Behaviour through Community Protection Notices in the UK. *Journal of Legal Studies*, 17(3), 259-290. doi: <https://10.22099/JLS.2025.51333.5220>

* Corresponding author:

E-mail address: aghababaei.azim@modares.ac.ir

Methods: This study, aiming to examine the harms arising from the implementation of Community Protection Notice policies within Iran's criminal policy framework, employs library-based sources and a descriptive-analytical methodology to address the following questions: What constitutes the concept of anti-social behavior within a nation's criminal policy? What are the meanings of preventive justice, civil preventive orders, and Community Protection Notices? What are the advantages and disadvantages of adopting criminal policy frameworks based on Community Protection Notices in Iran? To this end, the study first establishes the theoretical framework by exploring concepts such as preventive justice, civil preventive orders, Anti-Social Behaviour Orders (ASBOs), and Community Protection Notices. Library-based sources are utilized for data collection and analysis throughout this research.

Results: This study argues that civil preventive orders, under the framework of preventive justice, constitute a form of personalized, two-tiered criminal law. In the first stage, an order is issued through a civil judicial process, and in the second stage—should the order be violated—a punitive and coercive response is imposed via criminal proceedings. The Community Protection Notice is one such type of civil preventive order, designed to expedite and streamline interventions by non-judicial authorities, including police and social enforcement officers, in response to anti-social behavior. During the initial stage, individuals deemed at risk of deviance or criminal conduct receive a formal warning from the competent authority. Failure to comply with the warning triggers the issuance of a Community Protection Notice, resulting in penalties for the offender. While such orders may enable rapid responses, they carry significant systemic risks. The CPN, by extending the application of repressive and reactive responses to the pre-proof-of-crime stage in a competent criminal court, leads to a violation of the presumption of innocence, with extreme consequentialism regarding antisocial behaviors and inattention to the elements of committed behavior, leading to a violation of the general theory of crime, and by applying punitive and coercive measures under a sham legal cover in line with extreme governmental control, leads to a violation of the rule of law. Rather than addressing root causes, Community Protection Notices prioritize suppression and control—effectively sweeping societal issues under the rug. Paradoxically, the frustration and resentment generated by such coercive tactics, grounded in social psychology theories, may fuel further aggression and anti-social behavior. Furthermore, as societal norms are fluid and subject to shifting governmental priorities, citizens remain perpetually vulnerable to warnings or Community Protection Notices. This constant surveillance destabilizes the

principle of individual freedom, reducing liberty to a conditional privilege contingent on state-defined norms.

Conclusions: The Community Protection Notice has significantly influenced many fundamental principles of criminal law and introduced a novel form of excessive governmental control under the guise of legal frameworks. This phenomenon substantially contributes to the totalitarianization of states. Consequently, refraining from its implementation in Iran's criminal policy would be more advantageous than adopting it.

Keywords: Community Protection Warning, Community Protection Notice, Crime Prevention, Preventive Civil Order, Preventive Justice.



مقاله پژوهشی

پیامدهای پیشگیری از رفتارهای ضد اجتماعی از طریق اعلامیه حفاظت از جامعه

در بریتانیا

عظیم آقابابائی طاقانکی^۱، رشید قدیری بهرام آبادی^۲، مهدی امینی^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس،

تهران، ایران

۲ و ۳. استادیار گروه حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۰۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۱۳

اطلاعات مقاله

چکیده

مقدمه: در قلمروی کیفری با آرمان ایجاد یک جامعه بدون خطر، با پیدایش مفاهیمی همچون مدیریت ریسک و اقدامات تأمینی، اقدامات محدودکننده و برخی مجازات‌ها گاه به مرحله‌ای قبل از مرحله اثبات ارتکاب جرم توسط مجرم، تسری یافته‌اند. از زمره تدابیر پیشگیرنده می‌توان به اعلامیه‌های حفاظت از جامعه اشاره کرد. اعلامیه‌های حفاظت از جامعه، دستورات پیشگیرانه مدنی هستند که برای جلوگیری از ارتکاب رفتار خاص توسط یک فرد یا سازمان، در صورتی که رفتار موجود «تأثیر مضر بر کیفیت زندگی افراد در آن محل» داشته باشد استفاده می‌شوند و عدم رعایت آن‌ها ضمانت اجرای خاصی در پی دارد. در اعلامیه حفاظت از جامعه، برخی اصول حقوق کیفری تحت تأثیر قرار می‌گیرد. هدف از این پژوهش بررسی پیامدهای کاربست اعلامیه حفاظت از جامعه در سیستم عدالت کیفری بریتانیا به منظور امکان‌سنجی کاربست سیاست‌های مربوط به اعلامیه حفاظت از جامعه در سیاست جنایی ایران است.

استناد به این مقاله:

عظیم، آقابابائی طاقانکی؛ قدیری بهرام‌آبادی، رشید و امینی مهدی (۱۴۰۴). پیامدهای پیشگیری از رفتارهای ضد اجتماعی از طریق اعلامیه حفاظت از جامعه در بریتانیا. *مجله مطالعات حقوقی*. شماره ۱۷. (۳). ۲۵۹-۲۹۰.

E-mail address: aghababaei.azim@modares.ac.ir

* نویسنده مسئول:

روش‌ها: در این پژوهش با هدف بررسی آسیب‌های ناشی از کاربست خط‌مشی اعلامیه حفاظت از جامعه در سیاست جنایی ایران با استفاده از منابع کتابخانه و با روش توصیفی-تحلیلی به این پرسش‌ها پاسخ داده می‌شود که مفهوم رفتارهای ضداجتماعی در بستر سیاست جنایی یک کشور چیست؟ عدالت پیشگیرنده، دستور پیشگیرنده مدنی و دستور حفاظت از جامعه به چه معنا هستند؟ مزایا و معایب کاربست خطوط مشی جنایی مبتنی بر اعلامیه حفاظت از جامعه در ایران چیست؟ بدین منظور در ابتدا و در راستای تبیین ادبیات پژوهش، به بررسی مفاهیمی همچون عدالت پیشگیرنده، دستور پیشگیرنده مدنی، دستور رفتار ضد اجتماعی و اعلامیه حفاظت از جامعه خواهیم پرداخت. در این پژوهش از منابع کتابخانه‌ای به منظور جمع‌آوری و ارائه مطالب استفاده شده است.

یافته‌ها: در این پژوهش بیان شده است که دستورات پیشگیرنده مدنی، در حقوق پیشگیری، نوعی حقوق کیفری شخصی و دو مرحله‌ای محسوب شده که در مرحله اول، ضمن فرایند دادرسی مدنی یک دستور صادر و در مرحله دوم، در فرض نقض دستور، ضمن فرایند دادرسی کیفری، پاسخ تنبیهی و قهرآمیز بر شخص مرتکب بار خواهد شد. اعلامیه حفاظت از جامعه یکی از اقسام دستورات پیشگیرنده مدنی است که با هدف سرعت بخشیدن و کارآمدسازی اقدامات مقامات رسمی غیرقضایی از جمله پلیس و افسران پلیس اجتماعی در برابر رفتارهای ضداجتماعی صادر می‌شود. در مرحله اول، شخص در معرض انحراف یا ارتکاب جرم، از مرجع صالحه اخطار دریافت می‌کند و در فرض عدم رعایت مفاد اخطارنامه، اعلامیه حفاظت از جامعه صادر شده و به موجب آن شخص مرتکب مجازات خواهد شد. هرچند شاید این نوع دستورات در پاسخ‌دهی، سریع عمل نمایند ولیکن آسیب‌های بسیاری را از خود به جای خواهند گذاشت. اعلامیه حفاظت از جامعه با تسری اعمال پاسخ‌های سرکوبگر و واکنشی به مرحله‌ی پیش از اثبات جرم در دادگاه صالح کیفری، منجر به نقض اصل برائت؛ با پیامدگرایی افراطی نسبت به رفتارهای ضداجتماعی و عدم توجه به ارکان رفتار ارتكابی منجر به نقض نظریه عمومی جرم؛ و با اعمال اقدامات تنبیهی و قهرآمیز با پوشش پوشالی قانونی در راستای کنترل‌گری افراطی حاکمیتی، منجر به نقض اصل حاکمیت قانون شده است. اعلامیه حفاظت از جامعه به جای حل مسأله به کنترل‌گری و سرکوبگری می‌پردازد و به نوعی به دنبال پاک کردن صورت مسأله است. این در حالی است که احساس ناکامی ناشی از برخورد‌های سرکوبگر و اعمال اقدامات تنبیهی بر مبنای نظریات علم روانشناسی اجتماعی خود موجب پرخاشگری و اقدامات ضداجتماعی بعدی خواهد بود. از آن‌جا که هنجارها همواره ثابت نیستند و بسته به دولت حاکم بر جامعه ممکن است تغییر نمایند، شهروندان باید هر لحظه منتظر دریافت اخطار یا اعلامیه حفاظت از جامعه باشند و از این طریق اصل آزادی تخیل می‌گردد.

نتیجه گیری: اعلامیه حفاظت از جامعه بسیاری از اصول اساسی حقوق کیفری را تحت تأثیر قرار داده و قسم جدیدی از کنترلگری افراطی دولتها در پوشش قانون را ارائه می‌دهد. این موضوع به توتالیترسازی دولتها بسیار کمک می‌کند. فلذا عدم کاربست آن در سیاست جنایی کشور ایران مفیدتر از کاربست آن می‌باشد.

واژگان کلیدی: اختطار حفاظت از جامعه، اعلامیه‌ی حفاظت از جامعه، پیشگیری از جرم، دستور پیشگیرنده مدنی، عدالت پیشگیرنده.

سرآغاز

ایجاد و توسعه قلمروی کیفری^۱ را دیوان اروپایی حقوق بشر^۲ براساس اسناد بین‌المللی از جمله کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^۳ و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^۴ مرزهای کلاسیک حقوق کیفری^۵ را برهم زده و موجب ایجاد مقولات کیفری جدید شده است (بابایی و مهدوی، ۱۴۰۲: ۱۰۱-۱۰۲؛ یاور، ۱۳۹۴: ۲۲۲). با این حال، قلمروی کیفری افسارگسیخته نیست و بازیگران عرصه عدالت کیفری نمی‌توانند با هر مقررہ‌گذاری به تحدید حقوق مردم بپردازند. بلکه در قلمروی کیفری باید تضمینات دادرسی عادلانه رعایت شود (Gless, 2013: 93; Lagoutte, 2005: 175). در قلمروی کیفری با آرمان ایجاد یک جامعه بدون خطر، با پیدایش مفاهیمی همچون مدیریت ریسک^۶ (O'Malley, 2006: 43-44; Kemshall, 2003) و اقدامات تأمینی^۷ (Miles, 2018: 1-2)، اقدامات محدودکننده و برخی مجازات‌ها،^۸ گاه به مرحله‌ای قبل از مرحله اثبات ارتکاب جرم مجرم، تسری یافته‌اند. به همین دلیل، در کنار پاسخ‌های پسینی و سستی به رفتارهای ضداجتماعی،^۹ در قالب کیفر،^{۱۰} پاسخ‌های پیشینی (حتی در بعضی مواقع سرکوبگر) نیز در قلمروی کیفری یافت می‌شوند.

تدابیر کنشگرانه سزادهنده یا قهرآمیز پارادایم عدالت پیش‌گیرنده (Ashworth & Zedner, 2013: 1 ; Ashworth & Zedner, 2014: 1) در کنار تدابیر پیش‌گیرانه از جمله پیشگیری وضعی^{۱۱} یا پیشگیری رشدمدار،^۱ از زمره تدابیر پیشینی کنترل رفتارهای

-
1. Criminal matters
 2. European Court of Human Rights
 3. European Convention on Human Rights
 4. International Covenant on Civil and Political Rights
 5. Criminal law
 6. Risk management
 7. Provisional measures
 8. Punishments
 9. Anti-social behaviours (ASBs)
 10. Penal
 11. Situational Prevention

رفتارهای مخاطره‌آمیز هستند (اسماعیلی، ۱۳۹۶: ۲۹۷؛ Cole, 2015: 501) که با هدف مهار جرم^۲ پیش از ارتکاب بزه اعمال می‌شوند.^۳ عدالت پیش‌گیرنده محض سیاست‌هایی را در برمی‌گیرد که به حاکمیت اجازه می‌دهد به هر طریقی، کسانی را که مرتکب جرم نشده‌اند اما به‌طور منطقی مشکوک به انجام این کار یا محرک دیگران به انجام این کار هستند با رفتارهای قهرآمیز منع کند (Matravers, 2013: 206). ماده ۱۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری در باب جلوگیری از فعالیت متضمن رفتار مجرمانه در آینده نسبت به تمام یا بخشی از امور خدماتی یا تولیدی با توجیه جلوگیری از ایراد ضرر بارزترین مصداقی از تدابیر پیش‌گیرنده قهرآمیز در سیاست کیفری کشور ایران است. از زمره دیگر سازکارهای تنبیهی پیش‌گیرانه در سیستم عدالت کیفری ایران می‌توان به قرار نظارت قضایی (ماده ۲۴۷ قانون آیین دادرسی کیفری)، دستورات مذکور در ماده ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری به‌عنوان دستورات ذیل تعلیق تعقیب کیفری، محدودیت‌های پیش‌گیرنده مدنی از قبیل اقامت اجباری، منع از اقامت، الزام به خدمات عمومی، الزام به تحصیل و غیره مذکور در ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی به‌عنوان مجازات تکمیلی، قرار تأمین خواسته کیفری (مواد ۱۰۷ و ۱۰۸ قانون آیین دادرسی کیفری)، دستور جلوگیری از نقض حقوق یا نقض قریب‌الوقوع حقوق توسط دادگاه مدنی موضوع ماده ۶۰ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری اشاره کرد.

اعلامیه حفاظت از جامعه^۴ از زمره سیاست‌های مربوط به رهیافت عدالت پیش‌گیرنده است. اعلامیه‌های حفاظت از جامعه (CPNs) دستورات پیش‌گیرانه مدنی^۵ (CPOs) هستند که برای جلوگیری از ارتکاب رفتار خاص یک فرد یا سازمان، در صورتی استفاده می‌شوند که رفتار ضداجتماعی «تأثیر مضر بر کیفیت زندگی افراد در

1. Developmental prevention

2. Crime control

۳. در کل پژوهش اقدامات قهرآمیز به‌منظور پیشگیری با عبارت «پیش‌گیرنده» و اقدامات غیرقهرآمیز با عبارت

«پیش‌گیرانه» مشخص خواهند شد.

4. Community protection notice (CPN)

5. Civil preventive orders

آن محل» داشته باشد (Heap et al., 2022: 305) و رعایت نکردن آنها ضمانت اجرایی خاصی در پی دارد. به عنوان مثال، در بریتانیا نقض این اعلامیه‌ها مستوجب جریمه صد پوندی خواهد بود (Heap et al., 2022: 305).

دستورات پیش‌گیرنده مدنی، به عنوان اقدامی دوجنبین (کیفری - مدنی) به منظور جلوگیری از آسیب، ممنوعیت‌ها و محدودیت‌هایی را در قالب یک حکم مدنی بر مخاطبان تحمیل می‌کنند و رعایت آن را با ضمانت اجراهای تنبیهی تضمین می‌نمایند (Collins, 2020: 373). این ضمانت اجراها می‌توانند محدودکننده یا محروم‌کننده باشند. درواقع، دستورات پیش‌گیرنده مدنی حقوق کیفری شخصی^۱ (Ashworth & Zedner, 2010: 74) و دو مرحله‌ای (Rodgers, 2023: 2; Ashworth & Zedner, 2010: 563) را ایجاد کرده‌اند که در مرحله اول به هیچ تدبیر واکنشی قهرآمیز متوسل نمی‌شود ولیکن در مرحله دوم از تدابیر قهرآمیزی استفاده می‌شود که گاهی پنج سال حبس را نیز در پی دارد (Methven & Carter, 2016: 228). این دستورات در مرحله اول محدودیتی در پی ندارند ولیکن در مرحله دوم، در صورتی مجازات می‌شود که شخص مرتکب رفتاری شود که به موجب دستور پیش‌گیرنده مدنی از آن منع شده است (Burney, 2002: 474-475). سیاست‌گذاری‌های مربوط به پذیرش دانشجویان یا کارمندان مشروط بر تزریق واکسن کرونا در زمان کرونا در کشور ایران از زمره مصادیق دستورات پیش‌گیرنده مدنی بود.

رفتار ضداجتماعی که گاه رفتار غیراجتماعی^۲ نیز نامیده می‌شوند به رفتاری اطلاق می‌شود که برخلاف هنجارها و ارزش‌های اجتماعی است (Millie, 2008: 40) و حقوق دیگران را نقض می‌کند (Calkin & Keane, 2009: 1095) یا به دیگران آسیب می‌رساند (Cacault, et al., 2015: 2). هر رفتار آسیب‌رسانی ضداجتماعی نیست، بلکه معیار ضداجتماعی بودن رفتار، توجیه‌ناپذیری با ارزش‌های اجتماعی است. به موجب

1. Personalized criminal law
2. Dissocial behaviours

قانون رفتارهای ضد اجتماعی، جرم و پلیسی‌گری ۲۰۱۴^۱ رفتارهای ضد اجتماعی اقداماتی هستند که باعث آزار، هشدار یا ناراحتی یک یا چند نفر شود یا به‌طور احتمالی باعث آزار و اذیت، هشدار یا ناراحتی یک یا چند نفر خواهد شد (Rodgers, 2023: 1417; Black & Heap, 2022: 488).

به نظر می‌رسد در اعلامیه‌های حفاظت اجتماعی، برخی اصول حاکم بر مجازات‌ها از جمله اصل قضایی بودن تحت‌تأثیر قرار می‌گیرد. در برخی مناطق از جمله بریتانیا موضوع «رفتارهای ضد اجتماعی» و ابزارهای نظارتی و کنترل جرم، چالش بزرگی برای مفاهیم سنتی عدالت کیفری ایجاد کرده و به مداخله‌گرایی بیش‌فعال حکومت‌ها منجر شده است (Crawford, 2009: 810). آقای تونی بلر^۲ نخست‌وزیر سابق بریتانیا در سخنرانی خود در تاریخ دوم سپتامبر سال ۲۰۰۵ در مرکز اجتماعی مریدین^۳ در واتفورد^۴ بیان داشت: «هدف کل قانون رفتار ضد اجتماعی این است که اگر دوست دارید شرایط تجارت را تغییر دهید، قوانین بازی را تغییر دهید، مطمئن شوید که زمانی که ما نیاز به اقدام سریع داریم، قادر به انجام سریع هستیم». پس بنابراین به نظر می‌رسد که مقابله با رفتارهای ضد اجتماعی از طریق اعلامیه‌های حفاظت جامعه به‌عنوان ابزاری برای کنترل جرم برخی از اصول دادرسی عادلانه از جمله رسیدگی در مهلت معقول را هم تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. به همین دلیل، ضرورت دارد معایب این خط‌مشی مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. با توجه به فرایند نقل و انتقال خط‌مشی‌های کنترل جرم^۵ در سرتاسر دنیا، بسیاری از کشورها از الگوهای کنترل جرم کشورهای دیگر، الگوبرداری کرده و از این طریق درصدد تدوین، طراحی و کاربست سیاست‌های مشابه آن سیاست‌ها برمی‌آیند. کما اینکه در کشور ایران در حال حاضر اقداماتی مشابه نیز در

1. Anti-Social Behaviour, Crime and Policing Act 2014

2. Tony Blair

3. Meridian Community Centre

4. Watford

5. Crime Control Policy Transfer

حال انجام است. به عنوان مثال، در حال حاضر پیامک‌هایی مبنی بر کشف حجاب در خودرو برای صاحبان خودرو ارسال می‌شود و آنها را از تکرار رفتار با ضمانت اجرای تنبیهی (توقیف خودرو) منع می‌کند. احتمال اینکه در آینده کشور ایران در صدد الگوبرداری از خط‌مشی اعلامیه حفاظت از جامعه و موضوعه کردن آن برآید وجود دارد. به همین دلیل، در این پژوهش نگارنده در صدد مشخص کردن آسیب‌های ناشی از این کاربست سیاست‌های کنترل جرم از طریق اعلامیه حفاظت از جامعه سیاست است. با مشخص شدن آسیب‌های این خط‌مشی، سیاست‌گذاران می‌توانند با آسیب‌زدایی، سیاست جنایی کارآمدتری را تدوین نمایند.

۱. پیشینه پژوهش

ملاحظه می‌شود در کشور ایران پژوهشی درخصوص اعلامیه حفاظت از جامعه انجام نشده است و در کشورهای دیگر اندک پژوهش‌هایی به این موضوع پرداختند. در پژوهش‌های انجام‌شده در کشور ایران آقای اسماعیلی (۱۳۹۶) در مقاله «عدالت پیش‌گیرنده: مهار جرم در بستر نظام حقوقی» دستورات پیش‌گیرانه مدنی را از اقسام تدابیر عدالت پیش‌گیرانه معرفی کرده و در نهایت نتیجه‌گیری می‌کند که «پارادایم عدالت پیش‌گیرنده» که بر پیشگیری مستقیم از وقوع جرم به عنوان یکی از روش‌های قهرآمیز مقابله با جرم تأکید دارد، با معرفی عملکرد تدابیر پیش‌گیرنده که تحت عناوین گوناگون به بخش‌های مختلف نظام حقوقی از جمله حقوق اداری و مدنی راه یافته‌اند، به ترسیم قواعد ناظر بر «حقوق پیشگیری» و توسعه و تکامل فرایندهای آن در قالب نظم حقوقی‌ای مؤثر می‌پردازد. در پژوهش حاضر به صورت اختصاصی به اعلامیه حفاظت از جامعه به عنوان یک قسم از دستورات پیش‌گیرنده مدنی تحت پارادایم عدالت پیش‌گیرنده پرداخته می‌شود و آسیب‌های ناشی از آن تحلیل می‌شود.

در پژوهش‌های انجام‌پذیرفته در خارج از ایران بلک^۱ و هیپ^۲ (۲۰۲۲) در مقاله «عدالت رویه‌ای، انطباق و «شهروند شرافتمند»: مطالعه اعلامیه‌های حفاظت از جامعه» از طریق مطالعه کیفی بر روی دریافت‌کنندگان اعلامیه‌های حفاظت از جامعه (CPN)، به بررسی درک مردم از جنبه هویت اجتماعی نظریه عدالت رویه‌ای^۳ پرداخته‌اند. در این مقاله، یکی از نتایج به دست‌آمده از تحقیقات این است که مردم خود را مجبور به تبعیت از CPN می‌دانند. در پژوهش حاضر به‌صورت اختصاصی به آسیب‌شناسی اعلامیه حفاظت از جامعه از منظر حقوق کیفری، جرم‌شناسی و حقوق بشر پرداخته می‌شود و فهرستی مختصر از آسیب‌ها ارائه خواهد شد.

هیپ و همکاران (۲۰۲۲) در مقاله «عدالت پیش‌گیرانه: بررسی قدرت اجباری اعلامیه‌های حفاظت از جامعه برای مقابله با رفتارهای ضد اجتماعی» با استفاده از عدالت پیش‌گیرنده اشورث و زدنر^۴ به‌عنوان یک چارچوب تحلیلی به بررسی کیفی اعلامیه‌های حفاظت از جامعه می‌پردازند و درنهایت سه توصیه تجربی برای اصلاح این اعلامیه‌ها ارائه می‌دهند. این پژوهش معایب و مزایای اعلامیه حفاظت از جامعه را در بریتانیا بررسی می‌کند، اما در این پژوهش با رویکرد امکان انتقال سیاست‌های اعلامیه حفاظت از جامعه به کشور ایران، به بیان آسیب‌ها پرداخته و برای بیان آنها از منابع دیگر نیز بهره گرفته می‌شود.

کرافورد^۵ (۲۰۰۹) در مقاله «حکومت از طریق رفتار ضد اجتماعی: چالش‌های نظارتی برای عدالت کیفری» استدلال می‌کند که مقررہ‌گذاری به‌منظور مهار رفتارهای ضد اجتماعی موجب مشروعیت بخشیدن به حملات جاه‌طلبانه و مبهم حاکمیت و مداخله‌گرایی بیش‌فعال دولت می‌شود. در این پژوهش به توتالیترازی حاکمیت از

-
1. Alex Black
 2. Vickey Heap
 3. Procedural Justice
 4. Ashworth and Zedner
 5. Adam Crawford

طریق توسل به خط‌مشی اعلامیه حفاظت از جامعه اشاره شده است و از این منظر آن را نقد می‌کند. ولیکن در پژوهش حاضر، بررسی کنترل‌گری حاکمیتی از طریق اعلامیه حفاظت از جامعه، صرفاً یکی از آسیب‌های احتمالی کاربست این دستورات را در سیاست جنایی ایران تشکیل می‌دهد.

۲. اعلامیه حفاظت از جامعه (CPN)

در حقوق کیفری سنتی، صحبت از دوگانه‌سازی ضمانت اجرای کیفری در قالب مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی بود (نجیبیان و دیگران، ۱۳۹۳: ۳۰۳). متعاقب توقعات بزه‌دیدگان از آسیب‌های وارده بر اثر رفتارهای ضداجتماعی، برخی حاکمیت‌ها در صدد برخورد سریع و رضایت‌بخش با این دسته از رفتارها در قالب اعلامیه حفاظت از جامعه برآمدند (Home Office, 2012: 3-4). اعلامیه حفاظت از جامعه (CPN) یک دستور مدنی است برای محافظت از جوامع در برابر رفتارهای ضداجتماعی (ASB) غیرمنطقی و مداوم و مخرب بر کیفیت زندگی افراد؛ که ممنوعیت‌هایی را برای اشخاص حقیقی یا حقوقی در پی دارد (Rodgers, 2023: 488) مشروط بر اینکه این اشخاص برخلاف مفاد این اعلامیه‌ها رفتار (اعم از فعل یا ترک فعل) کنند. این اعلامیه در قانون رفتارهای ضداجتماعی، جرم و پلیسی‌گری ۲۰۱۴ در انگلستان و ولز ذیل مواد ۴۳ تا ۵۸ به‌صورت رسمی معرفی شده است. اعلامیه حفاظت از جامعه به دنبال سرعت بخشیدن و کارآمدسازی اقدامات مقامات رسمی غیرقضایی از جمله پلیس و افسران پلیس اجتماعی در برابر رفتارهای ضداجتماعی است (Rodgers, 2023: 488; Home Office, 2012: 23)؛ به‌عنوان مثال ممکن است بر اثر کاربست این قسم از سیاست‌ها مستأجران ضداجتماعی سریع‌تر از موعد اجاره از منزل استیجاری اخراج شوند (Home Office, 2012: 7). هدف از این اعلامیه، مقابله از طریق تحمیل ممنوعیت‌ها و محدودیت‌ها با مشکلات یا مزاحمت‌هایی است که بر کیفیت زندگی افراد جامعه تأثیر منفی می‌گذارد (Home Office, 2021: 51). این اعلامیه‌ها در صدد مقابله با رفتارهای

غیرمجرمانه‌ای هستند که مقابله با آنها دشوار است (Home Office, 2012: 8-9). به منظور صدور اعلامیه حفاظت از جامعه، ابتدا یک اخطار حفاظت از جامعه^۱ متضمن الزاماتی صادر می‌شود که باید رعایت شوند و در صورت استمرار این اخطار منجر به صدور اعلامیه حفاظت از جامعه می‌شود (Heap, et al., 2022: 307). به موجب قوانین انگلستان و ولز، گیرنده هشدار حق اعتراض ندارد ولیکن گیرنده اعلامیه حق اعتراض بیست و یک روزه دارد (Rodgers, 2023: 488). در صورت نقض اخطار حفاظت از جامعه و صدور اعلامیه حفاظت از جامعه، شخص با ضمانت اجرای قهرآمیز مواجه خواهد شد. اخطار حفاظت از جامعه منطبق بر آیین دادرسی مدنی و اعلامیه‌های حفاظت از جامعه منطبق بر آیین دادرسی کیفری را علی‌الاصول دادگاه‌های مدنی صادر می‌کنند.

به موجب ماده (۱) ۴۳ قانون رفتار ضداجتماعی، جرم و پلیسی‌گری، این اعلامیه برای هر فرد بالای شانزده سال یا هر نهاد به شرطی که رفتار وی تأثیری زیان‌بار، از نوع مستمر یا ادامه‌دار، بر کیفیت زندگی دیگران داشته و رفتار غیرمنطقی باشد، می‌تواند موضوع اخطار یا هشدار حفاظت از جامعه قرار گیرد. منظور از نهاد^۲ به هر نوع سازمان، شرکت، مؤسسه، یا گروهی اطلاق می‌شود که شخصیت حقوقی مستقل از افراد تشکیل‌دهنده آن داشته باشد. به عبارت دیگر، «نهاد» در اینجا به اشخاص حقوقی اشاره دارد، نه اشخاص حقیقی (افراد). به موجب ماده (۷) ۴۱ قانون مذکور، اعلامیه حفاظت از جامعه باید رفتار مضری را که بابت آن صادر شده است به‌صراحت مشخص کند.

به موجب ماده (۳) ۴۱ اخطار حفاظت از جامعه، اخطاری است که هر یک از الزامات زیر را بر فرد یا نهادی که اخطار برای او صادر شده، تحمیل می‌کند: الف. الزام به ترک یا توقف انجام امور مشخص؛ ب. الزام به انجام امور مشخص؛ پ. الزام به اتخاذ گام‌های منطقی برای دستیابی به نتایج مشخص. الزام به اتخاذ گام‌های منطقی برای دستیابی به نتایج مشخص یعنی فرد موظف است اقدامات عملی، معقول و قابل

-
1. Community Protection Warning (CPW)
 2. Body

اجرا را برای رسیدن به اهداف مشخص شده در اخطار انجام دهد. این اقدامات باید به گونه‌ای باشند که بتوان به‌طور عینی و قابل اندازه‌گیری، تحقق نتیجه مورد نظر را بررسی کرد. این نوع الزام، انعطاف‌پذیری بیشتری نسبت به الزام به انجام یا انجام ندادن کارهای مشخص دارد و به فرد یا نهاد اجازه می‌دهد تا با توجه به شرایط خود، بهترین راه را برای رسیدن به نتیجه مطلوب انتخاب کند. با این حال، همچنان مسئولیت رسیدن به نتیجه مشخص بر عهده اوست.

شرط صدور اعلامیه حفاظت از جامعه در ماده (۴) ۴۱ مشخص شده است. به موجب این ماده الزامات مذکور در ماده (۳) ۴۱ تنها در صورتی قابل اعمال به اشخاص هستند که به‌منظور جلوگیری از ادامه یا تکرار تأثیر زیان‌بار یا کاهش آن تأثیر زیان‌بار یا کاهش خطر ادامه یا تکرار آن صادر شوند. به موجب ماده (۲) ۴۱ و (۱) ۵۳ اخطار حفاظت از جامعه را می‌تواند اشخاص ذیل صادر کند: ۱. مأمور پلیس؛ ۲. مرجع محلی ذی‌ربط؛^۱ ۳. شخصی را که مرجع محلی ذی‌ربط برای اهداف این ماده تعیین کرده باشد. مرجع محلی ذی‌ربط به نهاد یا سازمانی دولتی در سطح محلی اشاره دارد که مسئولیت اجرای قوانین و ارائه خدمات عمومی را در یک منطقه جغرافیایی مشخص بر عهده دارد. این نهادها را به‌طور معمول انتخابات محلی تعیین می‌کنند و وظایف گوناگونی از حفظ نظم و امنیت عمومی، ارائه خدمات شهری، برنامه‌ریزی شهری و توسعه محلی، صدور مجوزها و پروانه‌ها و... بر عهده دارند. به‌طور دقیق اینکه کدام نهاد مرجع محلی ذی‌ربط محسوب می‌شود، بستگی به موقعیت جغرافیایی و نوع رفتاری دارد که منجر به صدور اخطار حفاظت از جامعه شده است. همچنین مرجع محلی (مانند شهرداری یا شورای شهر) می‌تواند به افراد خاصی، خارج از کارکنان رسمی خود، اختیار صدور اخطار حفاظت از جامعه یا اخطار جریمه ثابت را تفویض کند. این افراد «اشخاص تعیین‌شده» یا مأموران تعیین‌شده^۲ نامیده می‌شوند.

1. Relevant Local Authority

2. Designated Persons/Officers

به موجب ماده (۱) ۴۸، شخصی که اخطار حفاظت از جامعه برای او صادر شده و از رعایت آن تخلف کند، مرتکب جرم شده است. به موجب ماده (۲) ۴۸ شخصی که مرتکب جرم مندرج در این ماده شود، پس از محکومیت خلاصه^۱ به جزای نقدی محکوم خواهد شد. تنها در صورتی شخص مجرم محسوب نخواهد شد که تمام اقدامات معقول را برای رعایت اخطار انجام داده باشد؛ یا عذر موجه دیگری برای عدم رعایت آن وجود داشته باشد. این موضوع در ماده (۳) ۴۸ ذکر شده است. محکومیت خلاصه، نوعی از رسیدگی و صدور حکم در سیستم حقوقی انگلستان و برخی دیگر از کشورهایی است که از نظام حقوقی کامن لا پیروی می‌کنند. این نوع رسیدگی برای جرایم به نسبت کم‌اهمیت‌تر یا جرایمی که پیچیدگی کمتری دارند، در نظر گرفته شده است. در مقابل آن، رسیدگی با کیفرخواست^۲ قرار دارد که برای جرایم سنگین‌تر و پیچیده‌تر در دادگاه‌های بالاتر انجام می‌شود. کیفرخواست شفاهی مذکور در ماده ۸۶ قانون آیین دادرسی کیفری کشور ایران شباهت بسیاری با نهاد محکومیت مختصر در نظام کیفری بریتانیا دارد.

۳. آسیب‌های اعلامیه حفاظت از جامعه

هرچند اعلامیه حفاظت از جامعه منجر به پاسخ سریع به انحراف یا بزه شده است و همچنین مانع از تحقق یک ضرر یا آسیب بزرگ‌تر در آینده می‌شود، ولیکن این نوع از اقدامات تنبیهی، آسیب‌هایی نیز در پی دارد که در ادامه به برخی از آنها پرداخته می‌شود.

-
1. Summary Conviction
 2. Indictment

۳-۱. اعلامیه حفاظت از جامعه، اعلامیه‌ای بر ضد اصول اساسی حقوق کیفری

بسیاری از حکومت‌ها با شعار جامعه عاری از خطر، با کاربست اعلامیه‌های حفاظت از جامعه، صرف‌نظر از اهداف سیاسی، به‌ظاهر در صدد پیشگیری از وقوع جرایم و خطرات اجتماعی هستند. ولیکن متوجه نیستند که این اعلامیه بسیاری از اصول بنیادین حقوق کیفری را نقض می‌کند که به‌منظور رعایت حداکثری حقوق و آزادی‌های بنیادین اشخاص وضع شده است. البته این موضوع رفتار جدیدی نیست و مشاهده شده است که در بسیاری از مواقع اصول کلی حقوق کیفری توسط خود قانون‌گذار نقض شده است (حسینی و دیگران، ۱۴۰۴: ۵۰۲). رضایت سیاسی ناشی از دستورات پیش‌گیرانه مدنی جدید، در ادبیات جامعه‌شناسی کیفری به‌عنوان مصادافی از سیاست‌های متضمن عوام‌گرایی کیفری^۱ در نظر گرفته شده است که اصول اساسی قانونی و اصول بنیادین حقوق کیفری را کنار می‌گذارد (Ramsay, 2008: 1) در ادامه به برخی از این اصول اشاره می‌شود.

۳-۱-۱. نقض اصل حداقلی بودن حقوق کیفری

گاه، ضمانت اجرای تخطی از دستورات پیش‌گیرنده مدنی، حبس است (Collins, 2020: 373; Rodger, 2023: 488) و این موضوع به معنی توسعه گستره جرم‌انگاری و نقض اصل حداقلی بودن و حرکت روی پوسته نازک یخی است. در صورت صدور اعلامیه حفاظت از جامعه، مرتکب به‌طور اصولی با جزای نقدی مواجه خواهد شد. درواقع اعلامیه حفاظت از جامعه، برای رفتاری که ماهیتی غیرکیفری است، کیفر در نظر می‌گیرد (Hodgkinson & Tilley, 2011: 301). در چنین شرایطی، حاکمیت به نام اجرای قانون یا پیشگیری از جرم، اقدام به کاهش قلمرو حاکمیت شخصی و تعدی به فردیت و آزادی‌های بنیادین اشخاص می‌کند (غلامی، ۱۳۹۱: ۶۳)؛ این در حالی است

1. Penal populism

که به موجب اصل حداقلی بودن حقوق کیفری^۱ هنجارگذاری جنایی از طریق ممنوع‌انگاری رفتار دیگران و کیفرگذاری برای این رفتار باید آخرین راه‌حل باشد (Jareborg, 2005: 521; Minkinen, 2006: 531 to 533). اعلامیه‌های حفاظت از جامعه به جای اینکه از خصیصه سرکوبگری پاسخ‌ها به انحرافات به‌عنوان مرحله آخر استفاده نمایند، از آنها به‌عنوان در دسترس‌ترین ابزار استفاده می‌کنند و این موضوع همان ابزارگرایی کیفری^۲ است. درواقع، حاکمیت‌ها به‌منظور کنترل‌گری بیشتر بر رفتارهای اشخاص در سطح جامعه، به بهانه پیشگیری از جرم، اقدام به جرم‌زایی می‌کنند و از این طریق، محدودیت‌های ناشی از واکنش‌های کیفری را بر مرتکبان رفتارهای ضداجتماعی بار می‌کنند. سیاست‌های مبتنی بر اعلامیه حفاظت از جامعه به‌تدریج موجب خواهند شد رفتارهایی که در قبل جرم محسوب نمی‌شدند یا در سطح پایین‌تری از تخلف قرار داشتند، به‌تدریج جرم‌انگاری شوند و تحت کنترل سیستم عدالت کیفری قرار گیرند (Heap & Black, 2024: 1) این موضوع منجر به افزایش گستره پاسخ‌های کیفری و نقض اصل حداقلی بودن حقوق کیفری در پاسخ‌دهی به رفتارهای غیرهنجارمند مرتکبان می‌شود.

۳-۱-۲. نقض اصل برائت

عدالت پیش‌گیرانه اصل برائت^۳ را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ زیرا حقوق کیفری تنها باید زمانی وارد عرضه شود که یک فرایند کیفری شروع شده باشد (Ferzan, 2014: 505) و این در حالی است که عدالت پیش‌گیرانه مجازات را به مرحله‌ای قبل از حتی گاهی مواقع شروع به تعقیب کیفری سرایت داده است و رفتارهای محتمل ضرر را پیش از اضرار مجازات می‌کند (Collins, 2020: 373). به موجب اصل برائت تا زمانی که جرم

1. The principle of last and least resort penal law

2. Penal instrumentalism

3. Presumption of Innocence

شخص به صورت قطعی در محکمه صالح به اثبات نرسد، شخص متهم محسوب می‌شود و مسئولیت کیفری نخواهد داشت؛ بنابراین اعمال هرگونه مجازات یا تنبیه به‌جز مواردی که در قانون مجاز شمرده شده‌اند (همانند قرار تأمین یا قرار نظارت قضایی) بر وی قبیح است. ولیکن اعلامیه حفاظت از جامعه پاسخ‌های تنبیهی را پیش از مرحله احراز و اثبات جرم بر مرتکب بار می‌کنند. اصل برائت یا فرض بی‌گناهی، عدم مجازات پیش از اثبات جرم را در یک فرایند دادرسی کیفری به موجب صدور حکم قطعی محکومیت اقتضا دارد. با توجه به نظریات دیوان اروپایی حقوق بشر درخصوص اعمال تضمینات دادرسی عادلانه در کلیه مقولات جنایی با خصیصه قهرآمیز، اصل برائت باید در کلیه مراحل یک فرایند منتهی به کنش یا واکنش سرکوبگر اعمال شود. اصل برائت مهم‌ترین مبنای دادرسی عادلانه است (فتحی، ۱۳۹۲: ۱۲۶) و نقض اصل برائت منجر به نقض شاخصه‌های عدالت در دادرسی نیز خواهد شد.

۳-۱-۳. پیامدگرایی در مجازات به جای رفتارگرایی (نقض نظریه عمومی جرم)

در اعلامیه‌های حفاظت از جامعه آنچه موجب مجازات اشخاص می‌شود، رفتارهای ضداجتماعی است و در تعریف رفتار ضداجتماعی، آنچه موضوعیت دارد، پیامد رفتار است. درواقع، در صورت حصول نتیجه (آسیب یا آزار یا مزاحمت یا غیره) موضوع اعلامیه حاصل شده است؛ بنابراین نیازی به بررسی رفتار فیزیکی مرتکب وجود ندارد (Hodgkinson & Tilley, 2011: 284) همچنین اعلامیه حفاظت از جامعه به جای تمرکز بر رفتار، به‌ظاهر بر حمایت از بزه‌دیده متمرکز است (Rodgers, 2023: 489) این در حالی است که در حقوق کیفری به موجب نظریه عمومی جرم، علی‌الاصول، جرائم باید از رکن مادی و شامل رفتار فیزیکی تشکیل شده باشند و آنچه موجب مجازات می‌شود، تحقق نتیجه متعاقب ارتکاب یک رفتار فیزیکی است.

۳-۱-۴. نقض اصل حاکمیت قانون

زندگی تحت لوای حاکمیت قانون باعث می‌شود جامعه از هوا و هوس، پیش‌داوری، احساسات، تعصبات، سوگیری‌های کورکورانه، رفتارهای ایدئولوگ محض، و به‌طور کلی حاکمیت انسان^۱ به جای حاکمیت قانون محافظت شود (دبیرنیا و دیگران، ۱۴۰۱: ۹۳). در پشت پرده عبارت زیبای «عدالت پیش‌گیرنده»، حاکمیت، اقدامات محدودکننده و محروم‌کننده‌ای را اعمال می‌کند و این موضوع کنترل‌های هنجاری مرتبط با حاکمیت قانون^۲ را به نقطه محو یا پایین‌تر نزدیک می‌سازد (Dyzenhaus, 2013: 91) اعلامیه حفاظت از جامعه هرچند پوششی قانونی به خود گرفته است، اما نه تنها موجب تحقق حکومت قانون نمی‌شود، بلکه منجر به حکومت توسط قانون^۳ می‌شود. به نظر می‌رسد سیاست‌گذاران خط‌مشی اعلامیه حفاظت از جامعه به‌منظور مشروعیت بخشیدن به این سیاست از عوام‌گرایی^۴ نیز استفاده می‌کنند. آنجا که با شعار جامعه عاری از خطر در صدد کنترل رفتارهای ضداجتماعی برمی‌آیند و از این طریق در صدد جب نظر عوام مردم هستند. این اقدام مصداق بارز حکومت توسط قانون به جای حاکمیت قانون است.

۳-۲. ابهام در اثربخشی یا کارایی: سرکوبگری به جای حل مسئله

دستورهای پیش‌گیرنده مدنی به‌منظور پیشگیری فوق‌العاده خطرات و بزه‌دیدگی تدوین و اعمال شده‌اند. درست است که شاید در برخی حوزه‌ها همانند حوزه پیشگیری از شیوع بیماری‌ها در پزشکی، برخی تحقیقات اثربخشی و کارایی این نوع سیاست‌گزینی را نشان دهد (Nadzir, et al., 2020: 1237) ولیکن این به معنای اثربخشی و کارایی دستورات حفاظت از جامعه در همه عرصه‌ها از جمله پیشگیری از جرایم خانوادگی نیست. به‌عنوان مثال، در بحث آزار جنسی زنان در کشور امریکا، به‌طور تقریبی سالانه

-
1. Rule of Man
 2. Rule of law
 3. Rule by law
 4. Populism

یک و نیم میلیون زن مورد آزار جنسی قرار می‌گیرند و این درحالی است که بیست درصد از این زنان دستورات حفاظت مدنی را دریافت کرده‌اند (Holt et al., 2002: 589). این موضوع نشان‌دهنده این است که گاهی اوقات ممکن است این دستورات اثربخشی یا کارایی لازم را نداشته باشند.

از نظر علم روان‌شناسی اجتماعی، از علت‌های پرخاشگری و ارتکاب رفتارهای ضداجتماعی می‌توان به تحریک بیرونی (Chermack & Berman, 1997: 1) و احساس ناکامی (اشرفی و اشرفی، ۱۳۹۳: ۸۴۷) اشاره کرد. پاسخ تنبیهی به رفتارهای ضداجتماعی و پرخاشگرانه، خود نوعی تحریک بیرونی محسوب می‌شود و منجر به ایجاد احساس ناکامی یا بزه‌دیدگی در محکوم خواهد شد. این موضوع خود عامل ارتکاب رفتارهای ضداجتماعی در آینده خواهد بود. به نظر می‌رسد در صورت پافشاری دولت‌ها به صدور اعلامیه حفاظت از جامعه، اتخاذ تنبیهات در قالب دوره مراقبت، متضمن الزام مرتکب به مراجعه به روان‌شناس و درمان اختلال ضداجتماعی، مفیدتر جلوه می‌کند. به نظر می‌رسد اعلامیه حفاظت از جامعه، پیش از اینکه به بررسی مشکل و مسئله و حل ریشه‌ای آن اقدام کند، در صدد پاسخ‌دهی سریع به‌صورت سرکوبگرانه است. در چنین مواردی که مشکل یا مسئله حل نشده است، نه تنها تنبیه مرتکب مؤثر نخواهد بود، بلکه چه بسا منجر به پرخاشگری‌های بیشتری نیز بشود.

۳-۳. نقض اصل آزادی حداکثری شهروندان

همان‌طور که بیشتر بیان شد، اعلامیه حفاظت از جامعه، حاکمیت قانون را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. از آنجا که حاکمیت قانون، سنگ بنای رعایت حقوق و آزادی‌های بنیادین اشخاص است (جوادی، ۱۳۹۷: ۳۰) بالتبع، اعلامیه حفاظت از جامعه این آزادی‌های را نیز تحت‌الشعاع قرار خواهد داد. حرکت به سمت مدل عدالت پیشگیرانه پتانسیل سوءاستفاده قابل توجهی را ایجاد می‌کند (Cole, 2015: 501) ظهور دولت پیش‌گیرانه ممکن است نویدبخش امنیت بیشتر باشد، اما تهدیدی برای آزادی‌های مدنی است

(Zedner & Ashworth, 2019: 429) با این حال، برخی حقوق دانان با توجیهاتی از قبیل اینکه سیستم عدالت کیفری در جهت ایجاد تعادل بین عدالت و امنیت، می تواند از اقدامات پیش گیرانه قهرآمیز استفاده کند، عدالت پیش گیرانه را توجیه کرده اند (Matravers, 2013: 206). بر مبنای آموزه های عدالت پیش گیرنده، دولت بر مبنای اصل احتیاط در مواجهه با خطرات غیرقطعی اقدامات حاکمیتی انجام می دهد و این موضوع از بابت امکان نقض آزادی های شهروندی بر مبنای اصل احتیاط به نگرانی پژوهشگران حوزه عدالت پیش گیرانه تبدیل شده است (Stacey, 2017: 23). بسیاری از رفتارهای ضد اجتماعی به موجب قانون جرم انگاری کیفرگذاری نشده اند و پاسخ های تنبیهی به آن رفتارها نقض آشکار آزادی های شهروندان محسوب می شود. منشأ عدالت پیش گیرانه انگیزه نظارتی قوی و رسمی است (Collins, 2020: 373) جرم شناسان و نظریه پردازان حقوق جزا دستورات پیش گیرنده مدنی را به عنوان اقداماتی صرفاً ابزاری در خدمت کنترل جرم توضیح داده اند (Ramsay, 2008: 1). درست است که حاکمیت باید از شهروندان حفاظت و حمایت کند ولیکن کاربست افراطی سازکارهای قهرآمیز پیش گیرانه، خود ناقض آزادی های شهروندان است.

۳-۴. کنترلگری افراطی حاکمیت ها (توتالیترا سازی حکومت)

در سیاست های کنترل جرم، شکل جدیدی از کنترل درخصوص رفتارهای ضد اجتماعی به وجود آمده است (Brown, 2004: 203). در بستر سیاست گذاری جنایی^۱ به منظور مهار جرم، رفتار ضد اجتماعی، به اهرمی برای تدوین و اجرای سازکارهای دفاعی حکومت ها اعم از سازکارهای صرفاً بروکراتیک تا سخت گیرانه یا بعضی مواقع سرکوبگرانه تبدیل شده است (Burney, 2013: 92; Hodgkinson & Tilley, 2011: 283). قانون جرم و اختلال^۲ ۱۹۹۸ بریتانیا رفتار ضد اجتماعی را رفتاری تعریف می کند

1. Criminal Policy-making

2. the 1998 Crime and Disorder Act

که به صورت بالقوه یا بالفعل منجر به آزار، ترس، خطر و ناراحتی برای دیگران شود (Millie, 2008: 1) رفتارهای ضداجتماعی در سیاست‌گذاری‌های جنایی حکومت‌ها به خصوص حکومت‌های سرمایه‌داری به ابزاری برای حکومت بر جامعه از طریق ایجاد مکانیسم‌های کنترلی نظارتی تبدیل شده است (Crawford, 2009: 811). به گفته بریتویت^۱ ما در عصر سرمایه‌داری نظارتی زندگی می‌کنیم (Braithwaite, 2008) و این گفتمان به همه حوزه‌ها رسوخ کرده است (Levi-Faur, 2005: 27-28). سرمایه‌داری نظارتی مدعی است که نهاد سرمایه‌داری کارکرد نظارتی بر جامعه نیز دارد (Levi-Faur, 2017: 289) به منظور کنترل‌گری در جامعه، سرمایه‌داری نظارتی، مفهوم مدیریت ریسک را که در نظام سرمایه‌داری مفهومی جاافتاده است وارد در عرصه سیاست کرده (Moss, 2004: 15) و سیاست، اقتصاد و جامعه را به هم پیوند می‌زند. به همین دلیل، رفتارهای ضداجتماعی، به عنوان رفتارهای خطرآفرین نیازمند کنترل تلقی می‌شوند. این موضوع موجب در هم شکسته شدن مرزهای حقوق کیفری سنتی می‌شود. چراکه در حقوق کیفری آنچه نیازمند کنترل است رفتار مجرمانه است نه رفتار مخاطره‌آمیز ولیکن در سیاست‌گذاری‌های مبتنی بر سرمایه‌داری نظارتی، آنچه نیازمند کنترل محسوب می‌شود رفتارهای ضداجتماعی است. درواقع هرچند خاستگاه پیشگیری از جرم را باید در علم پزشکی جست‌وجو کرد (ابراهیمی، ۱۴۰۳: ۲۰) ولیکن نظام سرمایه‌داری مفهوم جدیدی تحت عنوان عدالت پیش‌گیرنده به آن اعطا کرده است. به همین دلیل، جوامع سرمایه‌داری مانند ولز و انگلستان، با اعلامیه‌های حفاظت از جامعه درصدد مدیریت ریسک و کنترل‌گری رفتارهای ضداجتماعی هستند (Ferzan, 2014: 523).

به نظر می‌رسد اعلامیه حفاظت از جامعه بیشتر از اینکه در خدمت جامعه باشد در خدمت حاکمیت‌های تمامیت‌خواه خواهد بود. چراکه این سازکار، قسمی از انواع

1. John Braithwaite

پیشگیری قهرآمیز است و توسل حاکمیت به این نوع از پیشگیری منجر به تمامیت‌خواهی و نفی آزادی‌ها خواهد شد (ابراهیمی، ۱۳۸۷: ۱۹). حکومت‌های تمامیت‌خواه به دنبال کنترل حداکثری شهروندان هستند و به همین دلیل، جامعه آزاد و لیبرال را به جامعه کنترلی تبدیل می‌کنند. دستورات حفاظت از جامعه با آرمان پیشگیری از خطرات و جرایم، ابزاری برای کنترل‌گری قانونی نسبت به آزادی‌های شهروندان است. حکومت‌ها می‌توانند با توسعه مفهوم خطر و سوق دادن آن به سمت ایدئولوژی‌های سیاسی، به دنبال استانداردسازی^۱ (در مقابل احترام به فردیت‌ها) در رفتار شهروندان برآیند. همچنین اعلامیه حفاظت از جامعه موجب کاهش آستانه رفتاری^۲ مداخله سیستم عدالت کیفری را پایین می‌آورد (Heap & Black, 2024: 1). این در حالی است که امروزه حقوق کیفری پس از گذر از مرحله تکلیف‌مداری به مرحله حق‌مداری رسیده است. تعمیم دستورات حفاظت از جامعه به کلیه مقولات رفتاری (اعم از فعل یا ترک فعل) شهروندان موجب فرگشت معکوس حقوق کیفری به تکلیف‌مداری خواهد شد. بروز استعدادهای اشخاص، منوط بر احترام به فردیت‌هاست و استعدادهای شهروندان در فرایند استانداردسازی به صورت تمام و کمال ظاهر نخواهد شد.

فرجام سخن

امروزه برخی سیاست‌های جنایی با شعارها و اهداف جذابی همچون عدالت پیش‌گیرنده، واکنش سریع، خوشایندی حداکثری برای شهروندان، جامعه بدون خطر، مدیریت خطر، پیشگیری حداکثری از بزه‌کاری و بزه‌دیدگی، افزایش آسایش و راحتی،

1. Standardization

۲. آستانه رفتاری (Behavioural threshold) به سطحی از رفتار اشاره دارد که عبور از آن منجر به مداخله پلیس و اجرای قانون می‌شود. کاهش این آستانه به این معناست که پلیس برای رفتارهای خفیف‌تر نیز مداخله می‌کند.

مقابله با جرم و بزه و رفتارهای ضداجتماعی، دفاع پیش‌دستانه از جامعه و غیره، در قالب دستورات پیش‌گیرنده مدنی، به برخوردهای قهرآمیز پیش‌گیرانه می‌پردازند. دستورات پیش‌گیرنده مدنی، در حقوق پیشگیری، نوعی حقوق کیفری شخصی و دو مرحله‌ای محسوب می‌شود که در مرحله اول، ضمن فرایند دادرسی مدنی یک دستور خطاب به شخص صادر، و در مرحله دوم، در فرض نقض دستور، ضمن فرایند دادرسی کیفری، ضمانت اجرای تنبیهی و قهرآمیز بر شخص مرتکب بار خواهد شد. اعلامیه حفاظت از جامعه یکی از اقسام دستورات پیش‌گیرنده مدنی است که با هدف سرعت بخشیدن و کارآمدسازی اقدامات مقامات رسمی غیرقضایی از جمله پلیس و افسران پلیس اجتماعی در برابر رفتارهای ضداجتماعی صادر می‌شود. در مرحله اول، شخص در معرض انحراف یا ارتکاب جرم، از مرجع صالحه اخطار دریافت می‌کند و در فرض رعایت نکردن مفاد اخطارنامه، اعلامیه حفاظت از جامعه صادر می‌شود و به موجب آن شخص مرتکب مجازات خواهد شد. هرچند شاید این نوع دستورات در پاسخ‌دهی سریع عمل نمایند ولیکن آسیب‌های بسیاری را از خود به جای خواهند گذاشت. اعلامیه حفاظت از جامعه با تسری اعمال پاسخ‌های سرکوبگر و واکنشی به مرحله پیش از اثبات جرم در دادگاه صالح کیفری، منجر به نقض اصل برائت، با پیامدگرایی افراطی نسبت به رفتارهای ضداجتماعی و بی‌توجهی به ارکان رفتار ارتكابی منجر به نقض نظریه عمومی جرم؛ و با اعمال اقدامات تنبیهی و قهرآمیز با پوشش پوشالی قانونی در جهت کنترل‌گری افراطی حاکمیتی، منجر به نقض اصل حاکمیت قانون شده است. امروزه اثربخش نبودن برخی از نهادهای حقوق کیفری از جمله نهادهای مدیریتی دولتی نوین در دادگستری به‌منظور مختومه‌سازی پرونده‌ها ملموس است و به جای آن دکترین حقوق کیفری نوین، بیش از آنکه به دنبال کیفرگرایی یا فایده‌گرایی باشند، به دنبال حل مسئله ایجادشده بر اثر ارتکاب جرم یا بزه هستند. این در حالی است که اعلامیه حفاظت از جامعه به جای حل مسئله به کنترل‌گری و سرکوبگری می‌پردازد و به نوعی به دنبال پاک کردن صورت مسئله است. در حالی که

احساس ناکامی ناشی از برخوردهای سرکوبگر و اعمال اقدامات تنبیهی بر مبنای نظریات علم روان‌شناسی اجتماعی خود موجب پرخاشگری و اقدامات ضد اجتماعی بعدی خواهد بود. از آنجا که هنجارها همواره ثابت نیستند و بسته به دولت حاکم بر جامعه ممکن است تغییر نمایند، شهروندان باید هر لحظه منتظر دریافت اخطار یا اعلامیه حفاظت از جامعه باشند و از این طریق اصل آزادی تخریش می‌شود. اعلامیه حفاظت از جامعه قسم جدیدی از کنترلگری افراطی حاکمیت‌ها در پوشش قانون است؛ بنابراین به کار نبردن آن در سیاست جنایی کشور ایران مفیدتر از کار بست آن است. دولت بریتانیا از بین دوگانه امنیت و آزادی، در سیاست‌های مربوط به اعلامیه حفاظت از جامعه، امنیت را برگزیده است ولیکن به نظر می‌رسد در صورتی که آسیب‌های مذکور در خصوص کار بست اعلامیه حفاظت از جامعه با تضمینات دادرسی عادلانه و حقوق کیفری مرتفع شوند چه بسا کار بست آنها در کشور ایران بتواند در کوتاه‌ترین زمان ممکن در تأمین امنیت اجتماعی مؤثر واقع شود. در حال حاضر و با وضعیت موجود نظام عدالت کیفری ایران و سازکار مربوط به اعلامیه حمایت از جامعه در بریتانیا، کار بست آن اثربخش جلوه نمی‌کند. چه بسا با توجه به ایرادهای این قسم از دستورات در آینده‌ای نزدیک از آن در بریتانیا نیز عدول شود.

References

- ابراهیمی، شهرام. (۱۳۸۷). پیشگیری از جرم در چالش با موازین حقوق بشر. رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران.
- ابراهیمی، شهرام. (۱۴۰۳). جرم‌شناسی پیشگیری، تهران: میزان.
- اسماعیلی، محمد. (۱۳۹۶). عدالت پیش‌گیرنده: مهار جرم در بستر نظام حقوقی، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، ۴ (۲)، ۲۹۷-۳۲۶.
- اشرفی، منصور و اشرفی، مرتضی. (۱۳۹۳). پرخاشگری، درس‌هایی از مکتب اسلام، ۶۴۴ (۵۴)، ۶۴-۷۱.
- بابایی، محمدعلی و مهدوی، داور. (۱۴۰۲). قلمرو کیفری و جایگاه آن در نظام حقوقی ایران، آموزه‌های حقوق کیفری، ۹ (۳)، ۵۹-۸۷.
- جوادی، امیر. (۱۳۹۷). تأثیر حاکمیت قانون در تأمین حقوق شهروندی، اخلاق زیستی (ویژه‌نامه حقوق شهروندی)، ۲۹-۴۱.
- حسینی، سید حسین؛ ملکی، نرجس و کاظمی، سید محمد مهدی. (۱۴۰۴). فاصله‌گیری از اصول کلی حقوق کیفری در قوانین خاص؛ مطالعه تبصره ماده ۷ قانون آمران به معروف و ناهیان از منکر. مطالعات حقوقی، ۱۷ (۲)، ۴۹۹-۵۳۲.
- دبیرنیا، علی‌رضا، مشهدی، علی و شفیعی افرایلی، مهدی. (۱۴۰۱). واکاوی نسبت میان حاکمیت قانون و پوپولیسم: سازگاری یا تقابل، پژوهش‌های نوین حقوق/اداری، ۴ (۱۳)، ۸۷-۱۱۱.
- غلامی، حسین. (۱۳۹۱). اصل حداقل بودن حقوق جزا، پژوهش حقوق کیفری، ۱ (۲)، ۴۱-۶۵.
- فتحی، محمدجواد و هادی، دادیار. (۱۳۹۲). جایگاه دادستان در سیاست جنایی نوین و الزامات دادرسی عادلانه، مطالعات حقوق تطبیقی معاصر، ۴ (۷)، ۱۲۳-۱۴۸.
- نجیبیان، علی؛ صادقی، محمد هادی؛ فروغی، فضل اله؛ ابراهیمی، شهرام. (۱۳۹۹). بررسی تطبیقی مصادیق ضمانت اجرای کیفری از منظر دوگانه‌سازی در حقوق ایران و فرانسه. مطالعات حقوقی، ۱۲ (۴)، ۳۰۳-۳۳۷.
- یاوری، اسدالله. (۱۳۹۴). از حقوق کیفری تا قلمرو کیفری (تسری تضمینات کیفری در «دادرسی منصفانه» به رسیدگی‌های شبه کیفری)، مطالعات حقوقی، ۷ (۲)، ۲۲۱-۲۵۸.
- Ashrafi, M. & Ashrafi, M. (2014). Aggression, lessons from the school of Islam, 644 (54), 64-71. [In Persian]
- Ashworth, A. & Zedner, L. (2013). Prevention and The Limits of Criminal Law, London, Oxford University Press.

- Ashworth, A., & Zedner, L. (2010). Preventive orders: A problem of under-criminalization. *The boundaries of the criminal law*, 59-87.
- Ashworth, A., & Zedner, L. (2012). Prevention and criminalization: Justifications and limits. *New Criminal Law Review: An International and Interdisciplinary Journal*, 15(4), 542-571.
- Ashworth, A. & Zedner, L. (2014). *Preventive Justice*, London, Oxford University Press.
- Babaei, M. and Mahdavi, D. (2012). Criminal matters and their place in Iran's legal system. *Criminal Law Doctrines*, 9(3), 101-128. [In Persian]
- Black, A., & Heap, V. (2022). Procedural justice, compliance and the 'upstanding citizen': a study of Community Protection Notices. *The British Journal of Criminology*, 62(6), 1414-1430.
- Braithwaite, J. (2008). *Regulatory capitalism: How it works, ideas for making it work better*. Edward Elgar Publishing.
- Brown, A. P. (2004). Anti-social behaviour, crime control, and social control. *The Howard Journal of Criminal Justice*, 43(2), 203-211. doi: 10.1111/j.1468-2311.2004.00321.x
- Burney, E. (2002). Talking tough, acting coy: what happened to the anti-social behaviour order?. *The Howard journal of criminal justice*, 41(5), 469-484.
- Burney, E. (2013). *Making people behave: Anti-social behaviour, politics and policy*. Willan.
- Cacault, M. P., Goette, L., Lalive, R., & Thoenig, M. (2015). Do we harm others even if we don't need to?. *Frontiers in psychology*, 6, 131747.
- Calkins, S. D., & Keane, S. P. (2009). Developmental origins of early antisocial behavior. *Development and psychopathology*, 21(4), 1095-1109.
- Chermack, S. T., Berman, M., & Taylor, S. P. (1997). Effects of provocation on emotions and aggression in males. *Aggressive Behavior: Official Journal of the International Society for Research on Aggression*, 23(1), 1-10. doi: 10.1002/(SICI)1098-2337(1997)23:1<1::AID-AB1>3.0.CO;2-S
- Cole, D. (2015). The Difference Prevention Makes: Regulating Preventive Justice. *Criminal Law and Philosophy*, 3(9), 501-519. doi: 10.1007/s11572-013-9289-7
- Collins, J. (2020). Securing Labour Standards Through Preventive Criminalisation: New Lessons from Civil Preventive Orders. *King's Law Journal*, 31(3), 373-401. doi: 10.1080/09615768.2020.1753349
- Crawford, A. (2009). Governing through anti-social behaviour: Regulatory challenges to criminal justice. *The British Journal of Criminology*, 49(6), 810-831. doi: 10.1093/bjc/azp041

- Dabirnia, A., Mashadi, A., & Shafiei Afrapoli, M. (2022). Analyzing the Ratio between the Rule of Law and Populism: Compatibility or Confrontation. *The Journal of Modern Research on Administrative Law*, 4(13), 87-111. [In Persian] doi: 10.22034/mral.2022.545919.1252
- Dyzenhaus, D. (2013). Preventive justice and the rule-of-law project. Oxford University Press.
- Ebrahimi, Sh. (2008). *Crime prevention in challenge with human rights standards* (Doctoral dissertation, University of Tehran, Tehran). [In Persian]
- Ebrahimi, Sh. (2024). *Preventive Criminology*. Tehran: Mizan, 8th Edition. [In Persian]
- Esmaili, M. (2018). Preventive justice: controlling crime through the legal system. *Criminal Law and Criminology Studies*, 4(2), 297-326. doi: 10.22059/jqclcs.2018.239944.1232 [In Persian]
- Fathi, M. J., & Hadi, D. (2013). The Position of Prosecutor in Modern Criminal Policy and Fair Trial Requirements. *Jurisprudence and Islamic Law*, 4(7), 123-148. [In Persian]
- Ferzan, K. K. (2014). Preventive justice and the presumption of innocence. *Criminal Law and Philosophy*, 8(2), 505-525. doi: 10.1007/s11572-013-9275-0
- Gholami, H. (2012). Criminal law as the last and the least resort. *Journal of Criminal Law Research*, 1(2), 41-65. [In Persian]
- Gless, S. (2013). Transnational cooperation in criminal matters and the guarantee of a fair trial: approaches to a general principle. *Utrecht Law Review*, 90-108.
- Heap, V., Black, A., & Rodgers, Z. (2022). Preventive justice: Exploring the coercive power of community protection notices to tackle anti-social behaviour. *Punishment & Society*, 24(3), 305-323. doi: 10.1177/1462474521989801
- Heap, V., & Black, A. (2024). Net-widening, gap-filling, and shortcut justice: The practice of Community Protection Notices to regulate anti-social behaviour. *Critical Social Policy*, 02610183241281344. doi: 10.1177/02610183241281344
- Hodgkinson, S., & Tilley, N. (2011). Tackling anti-social behaviour: Lessons from New Labour for the Coalition Government. *Criminology & Criminal Justice*, 11(4), 283-305. doi: 10.1177/1748895811414594
- Holt, V. L., Kernic, M. A., Lumley, T., Wolf, M. E., & Rivara, F. P. (2002). Civil protection orders and risk of subsequent police-reported violence. *JAMA*, 288(5), 589-594. doi:10.1001/jama.288.5.589
- Home Office. (2012). Putting victims first: More effective responses to anti-social behaviour. Available at:

- https://assets.publishing.service.gov.uk/government/uploads/system/uploads/attachment_data/file/228863/8367.pdf
- Home Office. (2021). Anti-Social Behaviour, Crime and Policing Act 2014: Anti-social behaviour powers-Statutory guidance for frontline professionals. Available at: https://assets.publishing.service.gov.uk/government/uploads/system/uploads/attachment_data/file/956143/ASB_Statutory_Guidance.pdf
- Hosseini, S. H., Maleki, N., and Kazemi, M. M. (2025). Distancing from the General Principles of Criminal Law in Specific Laws: A Case Study of the Note on Article 7 of the Law on Protection of “Amr bil Ma’ruf wa Nahy anil Munkar”. *Journal of Legal Studies*, 17(2), 499-532. doi: 10.22099/jls.2024.50546.5179 [In Persian]
- Jareborg, N. (2005). Criminalization as Last Resort (Ultima Ratio). *Ohio State Journal of Criminal Law*, 521-534.
- Javadi, A. (2018). The Effect of the Rule of Law on Citizenship. *Bioethics Journal*, Special Issue on Citizenship Rights, 29-41. [In Persian]
- Kemshall, H. (2003). *Understanding risk in criminal justice*. McGraw-Hill Education (UK).
- Lagoutte, S. (2005). Fair Trial and Defence Rights in Criminal Matters: An Introduction.
- Levi-Faur, D. (2005). The global diffusion of regulatory capitalism. *The annals of the American academy of political and social science*, 598(1), 12-32. doi: 10.1177/0002716204272371
- Levi-Faur, D. (2017). Regulatory capitalism. *Regulatory theory: Foundations and applications*, 289-302.
- Matravers, M. (2013). On preventive justice. In *Prevention and the Limits of the Criminal Law* (pp. 235-251). Oxford University Press.
- Millie, A. (2008) *Anti-social behaviour*. McGraw-Hill Education (UK).
- Miles, C. (2018). Provisional measures and the ‘new’ plausibility in the jurisprudence of the International Court of Justice. *British Yearbook of International Law*, bry011. Available online at www.bybil.oxfordjournals.org, doi:10.1093/bybil/bry011.
- Minkinen, P. (2006). ‘If Taken in Earnest’: Criminal law doctrine and the last resort. *The Howard Journal of Criminal Justice*, 45(5), 521-536. doi: 10.1111/j.1468-2311.2006.00441.x
- Moss, D. A. (2004). *When all else fails: Government as the ultimate risk manager*. Harvard University Press.
- Nadzir, M. S. M., Ooi, M. C. G., Alhasa, K. M., Bakar, M. A. A., Mohtar, A. A. A., Nor, M. F. F. M., ... & Nor, M. Z. M. (2020). The impact of movement control order (MCO) during pandemic COVID-19 on local air

- quality in an urban area of Klang valley, Malaysia. *Aerosol and Air Quality Research*, 20(6), 1237-1248. doi: 10.4209/aaqr.2020.04.0163
- Najibiyan, A. , sadeghi, M. H. , Forughi, F. and ebrahimi, S. (2020). The comparative study species of penal sanctions from hybridization viewpoint in Iran and French law. *Journal of Legal Studies*, 12(4), 303-337. doi: 10.22099/jls.2020.34501.3551 [In Persian]
- O'Malley, P. (2006). Criminology and risk. *Beyond the risk society*, 43-59.
- Ramsay, P. (2008). The theory of vulnerable autonomy and the legitimacy of the civil preventative order. Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=1091782>
- Rodgers, Z. (2023). Examining victims' experiences of Community Protection Notices in managing anti-social behaviour. *International Review of Victimology*, 29(3), 487-506. doi: 10.1177/02697580221081860
- Stacey, J. (2017). Preventive justice, the precautionary principle, and the rule of law. In *Regulating preventive justice* (pp. 23-39). Routledge.
- Yavari, A. (2015). From criminal Law to criminal matters. *Journal of Legal Studies*, 7(2), 221-258. doi: 10.22099/jls.2015.3218 [In Persian]
- Zedner, L., & Ashworth, A. (2019). The rise and restraint of the preventive state. *Annual Review of Criminology*, 2(1), 429-450. doi: 10.1146/annurev-criminol-011518-024526.

